

تحریف حقیقت در سخنان رهبری

مرز میان صداقت و خودفریبی، تحرّی حقیقت یا تحریف آن بسیار ظریف است؛ گاهی سیمای شخص به طور تصنعی تصویری را وارونه جلوه می‌دهد، و گاهی آهنگ سخن و به اصطلاح «لحن قول» او منافقانه حکایتی متفاوت روایت می‌کند.^(۱) شیوه دیگری که میان برخی دکانداران دین رواج دارد، گرداندن زبان به گونه‌ای است که عوام بی‌سواد گمان کنند عین متن مقدس است.^(۲)

تنها زبان نیست که سخن می‌گوید، صورت نیز با ده‌ها عضله لطیف و ظریف در اطراف چشم و ابرو، لب و دهان، پیشانی و گونه‌ها انواع احساسات را می‌تواند صادقانه یا ریاکارانه به طرف مقابل منتقل کند و اصولاً انتقال احساسات از طریق صورت (facial expression) و حتی زبان اندام (body language) و آناتومی آن در این روزگار شناخته شده است.

راه دیگر مردم فریبی، «تحریف» است، تحریف یعنی منحرف کردن اذهان از معنای صریح و آشکار کلمات. در هر زبانی در طول زمان کلماتی برای بیان منظوری معین ابداع شده‌اند و همگان همان منظور را دریافت می‌دارند. بازی با کلمات و تحریف و توجیه آن نشانه نفاق است. نوع مهمتری از نفاق، تحریف تاریخ و تجربیات گذشته و تعریف نابجا و معکوس آن درباره اشخاص یا شرایطی متفاوت است. این خودفریبی ناخودآگاه یا مردم فریبی را در سخنان آقای خامنه‌ای پس از جنبشی که اینک در آستانه دهمین هفته آن هستیم به کرات دیده‌ایم.

از همان ابتدا پس از کشته شدن مظلومانه «مهسا امینی» و ده‌ها نوجوان معترض و هموطنان گرد و لر و بلوچ و... وقتی رهبری با صحنه سازی و ادّعی کاذب: «آنها قرآن آتش زدند، حجاب از سر زنان محجبه کشیدند، مسجد و حسینیه را به آتش کشیدند...» خطاب به نیروهای انتظامی برای تشویق بیشتر آنان می‌گوید: «در این حوادث بیش از همه به نیروهای انتظامی و بسیج ظلم شده»، نشان داد نه تحریف کلام، که تحریف حقیقت می‌کند.

در سخنرانی اخیر نیز، باز هم در جمع بسیجیان گوش به فرمان، وقتی به استناد قرآن می‌گوید: «سُست مشوید و محزون نگردید، شما برتر هستید، اگر مؤمن باشید»،^(۳) گویی صدها بیگناهی که به جرم آزادیخواهی در سراسر کشور با گلوله جنگی و ساچمه‌ای با ضربات باتوم کشته شده‌اند، همگی بسیجی بوده‌اند!

خامنه‌ای با تحریفی شگفت آور به آیه‌ای استناد می‌کند که امیدبخشی و دل‌داری‌اش نه به سرکوبگران! که آشکارا به مردم مظلومی است که در دفاع از آزادی عقیده و ایمان و رهایی از شکنجه و کشتار، با هجرت به مدینه به نظام شرک آلود پشت کرده بودند و در آن ماجرا ستمگران با حمله به مدینه می‌خواستند به زعم خود بساط «اغتشاش» را جمع کنند.

در نبرد دفاعی «أُحُد» نیمی از مسلمانان کشته یا مجروح، فرمانده آنان «حمزه» مثله و پیامبر زخمی و زمین‌گیر شده بود؛ در چنین شرایط سهمگینی است که آیه مورد نظر به ملت مظلوم روحیه مقاومت و امید به پیروزی القاء می‌کند.

آقای خامنه‌ای به شیوه «این همانی» خود را در جایگاه پیامبر، سردار سلیمانی را، که کارنامه‌اش حفظ اقلیت علوی شیعه در سوریه با سابقه ۵۱ سال دیکتاتوری پدر و پسر به بهای ۶ میلیون آواره و حدود ۵۰۰ هزار کشته بوده است، در جایگاه «همزه سیدالشهداء» و بسیجیان سرکوبگر را در جایگاه مهاجران و انصار صدر اسلام و اکثریت ملت ایران را در جایگاه مهاجمان مشرک مکه به مدینه! قرار می‌دهد. این نعل وارونه زدن را خود چه نیکو در ماجرای کشتار کربلا و حق به جانبی یزیدیان بر منابر نقل کرده‌اند!

عبدالعلی بازرگان، ۲۳ نوامبر ۲۰۲۲

۱- محمد ۳۰- «وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكُمُ قُلُوبَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ وَلَنَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ»

۲- آل عمران ۷۸- «وَأِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُوفُونَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ»

۳- آل عمران ۱۳۹- «وَلَا تَهْجُرُوا هَٰؤُلَاءِ وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ».